

دست یابند و حکومت وحشت و تعصب و شمشیر را در شهرهای سمرقند - بخارا - خیره - مرو - ناشکنند مستقر نمایند و اقتصاد ابتدائی و عقب مانده شکار و شبانی را جانشین اقتصاد کشاورزی و منوفاکتور ایرانی نمایند .

گرچه ترکمن‌ها در تمام دوران تاریخی خود یک بار مذهب خود را تغییر دادند و از بت پرستی به اسلام گرایش یافتند، ولی تمام آداب و رسوم و سنت‌های اسلامی هم نتوانست از خوی و رفتار دیرین آنها جلوگیری نماید .

زندگی دشوار در صحاری و شنزارهای بین دریای خزر و جیحون و نبودن آب و گیاه و اقتصاد عقب مانده شبانی و فقر شدید پیوسته این طوایف را به قتل و غارت همسایگان وادار میکرد .

در این اواخر حتی مسلمانان خراسان و مازندران را در راهها اسیر میکردند و بعنوان کافر در بازارهای آسیای میانه بفروش میرسانند هر زمان حکومت مرکزی و همسایگان آنها قدرت کافی داشته به قتل و غارت یکدیگر می پرداختند . یکی از معمرین ترکمن از طایفه گوگلان می گفت مودی ترین و بی رحم ترین موجود خدا افراد طایفه تکه بودند که دوست و دشمن از دست آنها بجان می آمدند .

اشغال آسیای میانه بوسیله روسها و قدرت حکومت مرکزی ایران سبب شد که دوره رفاه و سعادت مندی این طوایف زودتر آغاز گردد .

بطوریکه طوایف ترکمن که در تمام دوره تاریخی خودشان بدنبال آب و گیاه سرگردان بودند در این دوره بر آب - گیاه - دانه دست یافتند و سکونت در یک جا را بر صحرا گردی و قتل و غارت ترجیح دادند و بهینوسیله تمدن واقعی این مردم پایه گذاری شد .

ترکمن‌های اصیل خود را ایگ (۱) می نامند که البته تعداد ایگ‌ها بسیار محدود و اکثریت ترکمن‌ها از نژاد قول و ایگدر می باشند که داستان آن بشرح زیر است .

(۱) ایگ نژاد خالص ترکمن را گویند .

یکی از خان‌های معروف ترکمن در غارت همسایگان غنائم جنگی زیادی بدست آورد از آنجمله یک پسر بچه فارس زبان و پربنیه و زیبا روی که روز بروز قوی تر و زیباتر میشد دختر خان عاشق اوشد در نهان از او فرزندی یافت چون خان از مسافرت و جنگ برگشت مشاوران برای نجات جان دختر و پسر جوان تقاضا کردند که خان اجازه دهد دختر خود را به نوکر خود یعنی همان پسر که با سارت در آمده بود داده شود . خان پس از تفکر زیاد باین موضوع موافقت کرد بشرطی که افراد قبیله فرزند این ازدواج را ایگدر یعنی ترکمن خالص خطاب نمایند و از آن پس زناشوئی بین ایگ و قول بسرعت رواج یافت و اکثریت جمعیت ترکمن نژاد دورگه ایرانی - ترکمن تبدیل گردید .

در نزد گوکلان چند خانه آدم دیدم که شباهت زیادی به خانه و سرخ بوستان آمریکا داشتند می توان گفت پیوند زیادی بین بعضی ترکمن‌ها و سرخ بوستان وجود دارد . ترکمن‌های ساکن ایران به سه طایفه بزرگ تعلق دارند که عبارتند از طایفه گوکلان - جعفر بای - آتابای که هر یک از طوایف مربور به تیره‌های متعددی تقسیم می شوند . داستان‌های قدیمی می گویند در زمانهای بسیار قدیم چوئی و شرب و قوجق از برادران خود در حوالی خوارزم و خیوه قهر کردند و با طرف اترک کوچ کردند و طایفه جعفر بای را بوجود آوردند و پس از کثرت جمعیت به قتل و غارت طوایف ترکمن مجاور خود پرداختند . طایفه جعفر بای در نواحی کمیشان - خواجه نفس و پهلوبدژ سکونت دارند .

طایفه گوکلان از گنبد قابوس تا مراوه تپه پراکنده شده اند و بعلمت دوری از مراکز تمدن از دو طایفه فوق عقب مانده ترند .

در بین ترکمن‌ها چند نوع قیافه کاملاً مشخص بچشم می خورد در بین مردان سه تیپ کاملاً مشخص دیده می شود که عبارتند :

۱ - قول‌ها این تیپ دارای قد بلند صورت کشیده و گوشت دار و چشمان قهوه‌ای

یاسیاه و سر تقریباً گرد و یا متوسط و اندامی کمی چاق با ریش و موی زیاد پوست تقریباً تیره که از بعضی جهات شبیه تاجیکها هستند و بنظر میرسد ریشه نژاد سفید-زرد دارند و در تمام طوایف فوق نمونه‌های زیادی از آنها یافت میشود و اکثریت مردان ترکمن را تشکیل میدهند و اینان همان قولها هستند .

۲- ایگها: این تیپ دارای قدی بلند و لاغر و با صورت استخوانی گونه‌های برجسته و رنگ زرد و چشمان ریز و بدنی کم مو دارند که شاید ریشه مغولی دارند و اکثراً دارای سر دراز هستند و اکثریت ایگ این قیافه را دارند .

۳- این تیپ دارای قدی متوسط و چهره و پوست سیاه و چشمان قهوه‌ای و سر دراز هستند آقای قارمحمد نوری زاده ۴۴ ساله ساکن قریه قره کیله از توابع خواجه نفس دارای مشخصات بدنی زیر است- قد ۱۶۸ سانتیمتر ، وزن ۶۶ کیلوگرم ، صورت پهن و صاف باریش جوگندمی، با پیشانی صاف و کوتاه رنگ چشم قهوه‌ای ، پلک‌های بالای چشم توسعه یافته ، لبها نازک و چانه باریک و برآمده می باشد .

ترکمنها فوق‌العاده سنت پرست و با ایمان هستند مذهب عامل بسیار عمده‌ای در جلوگیری از خشونت فوق‌العاده و نابودی و کاهش دائمی آنان بوده است ، آخوند و قاضی در نزد آنها دارای احترام زیاد می باشند هنگام جنگ افراد جنگجورانه‌مایی نیرو یادسته‌ها را به پهنه می گیرند در موقع ضرورت شورای پیرمردان بنام یاشولی‌ها(۱) تصمیم لازم را اتخاذ میکنند اصولاً در بین ترکمنها هیچگونه حکومتی وجود ندارد و حاکم واقعی جامعه ترکمنی تا ۵۰ سال قبل آداب و سنن گذشته بوده است هیچکس هم بعنوان نوکر و امربر وجود نداشته است مگر افرادی که بنام کافر اسیر جنگجویان ترکمن می شده‌اند که دوره اسارت آنها وحشت آور بوده است زنجیر دائمی بردست و پا کار شاق شبانه‌روزی و غذای اندک نصیب آنها بوده است .

(۱) یاشولی بمعنی پیرمرد و مسن و با تجربه می باشد .

اکثریت ترکمنها مردمی راستگو و سخت مهمان نواز هستند در یک رنگی صداقت آنها کمتر میتوان تردید کرد ترکمنها اغلب به کارکردن علاقه‌ای ندارند ، ترکمنها سخت بخانواده و سنت‌های خود پایبند هستند ، یک خانواده ترکمن را زن و مرد و بچه‌ها و خواهر و برادر و گاهی نوه‌ها تشکیل می‌شود که گاهی اعضای یک خانواده دعوا نفر تجاوز میکند و این مسأله مشکل بزرگی برای نوسازی مناطق زلزله‌زده کوگلان بوجود آورده بود .

زیرا یکمتر به ۱۵ تا ۲۰ خانواده که با یکدیگر نسبت نسبی یا سببی داشته‌اند می‌خواستند در یک ناحیه سکونت نمایند و مقداری هم فاصله مکانی باید بین آنان با خانوار مجاور باشد . مثلاً در خوزستان یا خراسان ممکن است صدخانه ساخت و صد خانوار در آن جای داد . ولی در نزد کوگلانها چنین کاری غیرممکن است هر پدر باید با تمام افراد خانواده پسر و دختر و برادران و پدیر و مادر خود در یک محدوده زیست نماید .

مثلاً صدها دهرا می‌توان نام برد که مانند اورکت حاجی بوجود آمده‌اند حاجی اورکت نیازی در سی سال قبل کوچ کرده و محل فعلی ده اورکت حاجی آمده سپس تمام قایل نسبی او بدنبال او حرکت کرده‌اند و ده اورکت حاجی را ساخته‌اند .

مهمترین عید ترکمنها عید مذهبی قربان است که مانند اهل تسنن بزرگترین عید سال محسوب میشود و طی سه روز با مراسم متعدد انجام میگردد .

روز اول روز نظافت و آرایش برای مردان و زنان محسوب میگردد خانه‌ها تمیز و وسایل خانه را گرد گیری می‌نمایند روز دوم به تبریک و سپاس می‌کنند و زنان هر خانوار برای سپاسگزاری و احترام به آنان و نمک مقداری نانهای روغنی که با آرد و روغن و شیرینی پخته شده بین یکدیگر رد و بدل می‌نمایند و روز سوم روز قربانی است که گوسفند و یا گاوی را قربانی می‌نمایند و غذائی بنام چکدرمه تهیه و سپس بزرگان تیره و روحانیان بزرگ از افراد تیره دعوت می‌کنند تا غذای دسته‌جمعی میل نمایند .

در روز عید قربان قبل از طلوع آفتاب نماز جماعت بجای می‌آورند نماز جماعت بقدری اهمیت دارد که بعد از زلزله مرداد ۴۹ در همه جا بیک موضوع اهمیت بیشتر میدادند آنهم ساختن مسجد بود و قبل از ساختن خانه، آنها ساختن مسجد را تقاضا میکردند و اولین چادر اهدائی را تبدیل به مسجد نمودند و پیوسته نماز جماعت درده چنارلی و سایر روستاهائی که روحانیون سکونت داشتند برقرار بود .

عروسی ترکمن‌ها هم دیدنی است پس از آنکه طرفین خانواده داماد و عروس از نزدیک در مبلغ شیربها بتوافق رسیدند عروس و داماد بدو نفر وکالت میدهند تا از طرف آنها با آخوند در مورد صیغه عقد همکاری نمایند و در عروسی و عزاتمام اقوام دور و نزدیک وظیفه دارند شرکت نمایند و در بعضی تیره‌ها که هنوز اسب در اختیار دارند مسابقات اسب سواری و بالاخره زور آزمائی رواج دارد و در نزد بعضی از تیره‌ها می‌گفتند عروس سوار بر اسب بامردان مسابقه میگذازد ولی من آنرا با تعجب شنیدم زیرا در تربیت پسران و دختران تفاوت بسیار زیادی است و اصولاً زنان بقدری محدود هستند که از اوبه‌ها خارج نمی‌شوند تا چه رسد به اسب سواری و غیره عروس را سوار بر اسب یا با ارابه و اخیراً با جیب و ماشین حمل می‌نمایند و در خانه داماد برپیشانی او آرد می‌مالند و مراسم تصرف دختر گاهی در ساعات روز صورت میگردد یکی از معلمین تعریف‌های بدی از این مراسم می‌نمود که جای درج آن در اینجا نیست . پس از مراسم عروسی اگر عروس يك روز در خانه داماد بماند باید يكسال بخانه پدری برگردد و اگر دو روز در خانه داماد بماند دو سال برای کارآموزی بخانه پدر مراجعت می‌کند .

در صورتیکه داماد بخواهد عروس را تنبیه نماید غیر از کتک و مجازات‌های دیگر ممکن است او را بایکوت کند در آن صورت داماد با عروس حرف نخواهد زد و در اینصورت دختر جوان سخت زجر می‌کشد .

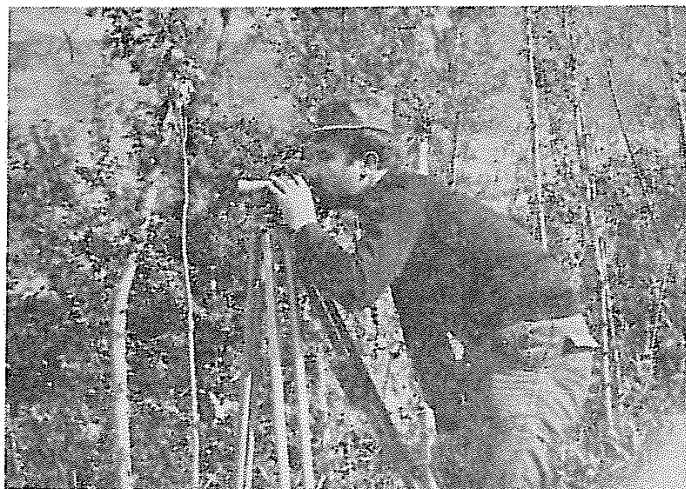
رسم است که عروس هنگام آوردن غذا و وسایل غذا شلاقی هم که همیشه در خانه موجود است به نزد شوهر می‌آورد و می‌گوید این غذا- این وسایل غذا این هم شلاق اگر خطائی کرده‌ام یا غذا بد است می‌توانی مرا مجازات کنی .

زایمان زن بوسیله زنان با تجربه صورت میگردد و تا سه روز نوزاد زیر نظر مامای مزبور خواهد بود و زائو غذائی از ککو کو تخم مرغ و مخلوط برنج و روغن بنام بلاماق میخورد زائو پس از چهل روز آب گرم و صابون شستشو می‌شود زیرا حمام رفتن در بین تراکمه رسم نیست طلاق هم در بین افراد ترکمن کم است زیرا زن هنگام عقد مهریه خود را دریافت میدارد ولی اگر زن و شوهری نتوانستند سازش نمایند آخوند از طرف شوهر آیه طلاق را بر روی کاغذ می‌نویسد و به زن میدهد در آن صورت زن باید خانه شوهر را ترک نماید و گاهی ممکن است طلاق بطور شفاهی بوسیله خود شوهر صورت گیرد .

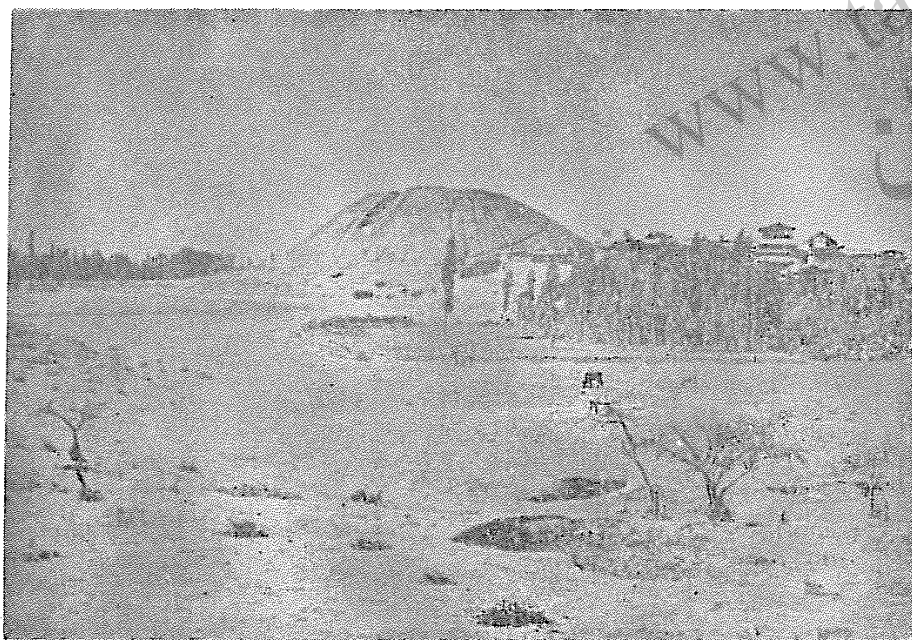
در مراسم ختنه سوران که یکسال پس از تولد نوزاد صورت میگردد سلمانی مخصوصی عمل ختنه را انجام میدهد .

هنگام مرگ افراد خانواده شیون و زاری می‌کنند ولی در نزد گوکلان‌ها از یکی از روحانیان این قوم در عرض چند ثانیه ۱۱ نفر زن و اطفال و برادر و پسر بوسیله زلزله مردند ولی نامبرده چند روز بعد در مصاحبه گفت من از مرگ عزیزانم ناراحت نیستم ولی چه می‌توانم بکنم خدائی که آنها را روزی آفرید و روزی هم همه آنها را گرفت .

اما در نزد سایر تراکمه مانند سایر نقاط دنیا کسان مرده شیون و زاری می‌نمایند و برای بزرگداشت خاطره آن مرده يك هفته چادر مخصوصی برای پذیرائی اشخاص برپا می‌کنند و در روز سوم - پنجم و هفتم غذای مخصوصی برای مهمانان پخته می‌شود و در تمام ۷ روز مزبور از مهمانان ناخوانده‌ایکه از فواصل دور و نزدیک می‌آیند پذیرائی می‌شود و روز چهارم و صدم و سال مرده مجالس یادبودی برپا می‌سازند و از



تهیه طرح لوله کشی نوسر لاریجان که بادشواری زیاد صورت گرفت



تورنگ تپه با چهار هزار سال سابقه تاریخی در شمال شرقی گرگان

مهمانان با چای پذیرائی می شود .

همسایگان و مهمانان با خود گاهی مرغ یا قند و هدایای دیگر برای صاحب

عزا میبرند .

استفاده از موسیقی در نزد تراکمه رسم نیست تنها در هنگام عروسی از کمانچه ای بادو یا سه تار استفاده میشود و رقص محلی هم دارند که با آهنگ های شاد توأم است ولی این آهنگ ها و موسیقی در رقص مزبور کلاسه نشده است و بعلمت عدم توجه و تعصب مذهبی کمتر بآن توجه شده است .

زدن نی لبک در نزد چوپانان ترکمن تا چند سال پیش رسم و متداول بود .

افراد با سواد از ترکمن های ایران بشعرو ادب هم علاقه نشان میدهند بخصوص در گنبد قابوس که بنگاه نشریات جداگانه ای وجود دارد که آثار نویسندگان و شعرای ترکمن را چاپ می نمایند این شعرا نویسندگان آثاری در سطح ایالتی دارند ولی آثار مختوم قلی شاعر و پندگوی معروف ترکمن با علاقمندی زیادی خریداری میشود محتوم قلی فراغی از ترکمن های گولکان بوده که میگویند قبر او در اراق توقه بین کردند و مراوه تپه قرار گرفته است و مورد احترام زیاد ترکمن ها می باشد آثار او متعلق به دو بیست سال قبل است . باین وجود آثار شعرای دیگر مانند مسکین قلیج صاحب همراهِ قربان دردی مورد توجه افراد با سواد است - تعداد کمی از ترکمن ها و بخصوص آنهایی که دام دار هستند . خانه متحرک بنام (oy) دارند که به قطر حداکثر ۶ متر و گنبدی مانند است که از چوب و نمد ساخته میشود . و در حدود ۲۰ متر مربع وسعت دارد .

« ب - بررسی جمعیت »

طبق آمار و سرشماری سال ۴۵ جمعیت مازندران رو بهم بالغ بر ۱/۸۴۵۲۷۰ نفر بوده است که ۴۴۰۹۹۷ نفر آن در ۴۰ مرکز شهری و ۱۰۴۲۷۳ نفر آن یعنی ۸۶٪ جمعیت مزبور در ۶۱۲۰ ده و دهکده و مزرعه زندگی میکرده‌اند از نظر رشد جمعیت یعنی از شهرها مانند گرگان شرایط مهاجر پذیری زیاد داشته‌اند و طی سال ۳۵-۴۵ در حدود ۶۰٪ به جمعیت آن اضافه شده است .

میانگین سنی جمعیت ۲۱٫۲ در سال بوده است که جوانی جمعیت را بخوبی ثابت می‌کند از نظر سواد بطور متوسط ۲۴٫۵ درصد جمعیت ۷ ساله بالا با سواد بوده‌اند که سهم زنان ۱۲٫۸ درصد بوده و در روستا فقط ۵٫۷ درصد زنان سواد داشته‌اند . از بین تمام افراد با سواد استان مزبور ۲٫۹ درصد دیپلم متوسط داشته‌اند و ۷٪ افراد با سواد توانسته‌اند بدانشگاه راه‌یابند .

از نظر اقتصادی طبق آمار سال ۴۵ در حدود ۷۹/۳ درصد جمعیت بالاتر از ده سال فعال بوده‌اند و اگر سن واقعی کار را بین ۱۵ تا ۶۵ سالگی محاسبه نمائیم طبق آمار مزبور ۶۴٫۴٪ از جمعیت فعال در کار کشاورزی و ۲۰٫۷ درصد جمعیت فعال در خدمات کشاورزی و بازرگانی اشتغال داشته‌اند و ۴٫۳ درصد بکارهای ساختمانی و تنها ۹٫۹ درصد بکارهای صنعتی و حمل و نقل مشغول بوده‌اند .

بنظر میرسد ۷۹٫۳ درصد جمعیت دهساله بیالاً را فعال نشان دادن مایه تعجب باشد زیرا اولاً اگر میزان متوسط کار سالیانه را ۲۴۰۰ ساعت محاسبه نمائیم و کمتر از آنرا نیمه فعال و کمتر از ۹۰۰ ساعت کار سالیانه را غیر فعال بدانیم شاید رقم مزبور به ۲۸ تا ۳۰ درصد برسد . زیرا اکثراً کسانی خود را فعال معرفی کرده اند شاید سه ماه در سال کار کنند و در دشت و در شرق مازندران بیکاری بیداد می کند .

از طرفی تنها ۱۷٫۳ درصد زنان دهساله بیالاً را جزو جمعیت فعال ذکر کرده اند در حالیکه زنان در مازندران مرکزی و غربی اکثراً فعالیت مزرعه و خانه را بعهده دارند .

تحقیق زیر نشان میدهد که اظهارکنندگان به آمار کران دروغ گفتند زیرا در آمار مزبور نشان داده شده که در حدود ۸۰ درصد افراد روستائی که سنی بین ۱۵ تا ۶۵ سال دارند فعال هستند در حالیکه دهقان مازندرانی کاریدی ندارد. صنایع خانگی جز در بخش ترکمن نشین رواج ندارد اگر ساعت کار سالیانه افراد را ۲۴۰۰ ساعت محاسبه نمایم و آنرا نشانه فعال بودن بشمار آوریم دهقان مازندرانی گاهی $\frac{1}{3}$ یا $\frac{1}{4}$ این ساعت را مشغول کار هستند و جز در فصول کشت پنبه - برنج و غلات و برداشت محصول که آنها کثراً بوسیله زنان یا ماشین آلات صورت میگیرد در تمام سال بیکار هستند. و می توان گفت بزرگترین شغل مردم روستاها بیکاری و قهوه خانه نشینی است شاید هم حق با آنها باشد زیرا نه ایده لوژی در کاری است و نه طبیعت غنای خود را از دست داده است .

برای روشن شدن دروغ اظهارکنندگان جدول زیر را از دفاتر سال ۴۵ و آمار کشورهای پیشرفته استخراج شده نشان میدهیم ، و باید گفت در همین آمار بی سوادى اکثریت اطفال فعلی روستاها ثابت می شود زیرا بسیاری از افراد که باید بمدرسه بروند شاغل اعلام شده اند .

شماره	گروه سنی	درصد فعالین روستاهای مازندران	درصد فعالین در سال روستاهای ایران	درصد فعالین روستاهای ۲۷ کشور در حال رشد	درصد فعالین روستاهای اروپای غربی	درصد فعالین آمریکای شمالی
۱	۱۹ - ۱۵	۸۴٫۸	۸۴٫۷	۷۹٫۱	۷۴٫۹۷	۴۱٫۷
۲	۳۴ - ۲۰	۹۸٫۵۰	۹۶٫۰۰	۹۳٫۶	۹۱٫۱	۸۸٫۶
۳	۴۴ - ۲۵	۹۸٫۱	۹۸٫۲	۹۷٫۶	۹۷٫۸	۹۲٫۵۰
۴	۵۴ - ۴۵	۹۴٫۴	۹۵٫۳	۹۶٫۹	۹۶٫۶	۹۰٫۵۰
۵	۶۴ - ۵۵	۷۶٫۸	۸۱٫۷	۹۱٫۵۰	۸۹٫۶	۸۰٫۰
۶	۶۵ سال بیالاً	۵۱٫۱	۴۷٫۵	۶۷٫۵۰	۴۹٫۵۰	۲۰٫۰

در حالیکه بزرگترین رقم شهر نشینی، در شهر به شهر بوده است که در حدود ۴۰٫۱ درصد مردم شهر نشین بوده اند و در ساری مرکز استان، رقم مزبور از ۲۱٫۷ درصد تجاوز نکرده است .

این آمار نشان میدهد که در مازندران شهر نشینی چندان رواجی ندارد و حتی بسیاری از ساکنین شهر هاهم آب و ملکی در روستاها دارند و با زندگی خود را از اقتصاد روستاها تأمین می نمایند .

بطور خلاصه می توان گفت طبیعت در این استان چنان ثروتمند است که شاید تا چند نسل دیگر با آسانی بتوانند زندگی و رفاه کشاورزان را تأمین نمایند و اهالی را بخود جذب نمایند.

بطوریکه در جدول مزبور دیده میشود درصد فعالین روستاهای ۲۷ کشور در حال رشد بیشتر نشان داده شده و حتی در بعضی موارد فعالین روستاهای مازندران از روستاهای اروپای غربی و آمریکا هم بیشتر است .

برای اینکه بیکاری مخفی و شدید مردم روستاهای مازندران بهتر نشان داده شود آمار زیر را نمایش میدهم در این آمار ساعات کار روزانه ۸ ساعت محاسبه شده و بیکاری مخفی افراد هم در نظر گرفته نشده است .

جنس	جمعیت کل روستاهای مازندران	جمعیت فعال بالاتر از ده سال				
			درصد	ماه	کار روز	ساعات
مرد	۴۴۵/۲۶۸	۳۶۷/۶۳۹	۸۲/۶	۷	۱۸۲	۱۴۵۶
زن	۴۳۵/۶۳۱	۸۵/۵۱۹	۱۹/۶	۵	۱۲۵	۱۰۰۰

طبق آمار فوق حداقل ساعات بیکاری مردم روستاهای مازندران از ۶۲۰ میلیون ساعت کار تجاوز می کند این رقم نشان میدهد که چرا روستاهای مزبور بصورت نیمه مخروبه باقی می ماند .

از نظر شهر نشینی هم موارد قابل توجهی در آمار سال ۴۵ مازندران دیده میشود مثلاً در شهسوار فقط ۹۳ درصد جمعیت شهرستان مزبور در شهر و بقیه در روستاها سکونت دارند در شهرستان نور این درصد به ۸۶ میرسد .

این استان در حدود ۲٫۴ میلیون هکتار متعلق به گرگان و دشت و بقیه به استان مازندران اختصاص یافته است .

و رویهم در این استان ۱۰۳۰۰۰۰ هکتار زمین زراعتی زیر کشت قرار گرفته است و در حدود ۳۰ هزار هکتار هم باغات مختلف غرس گردیده است بقیه مساحت استان را کوهها - جنگلها و زمینهای شورزار فرا گرفته است .

با اینکه مساحت استان مازندران ۳٪ مساحت کل کشور است زمینهای زراعتی آن در حدود ۱۷٪ زمینهای زراعتی کشور را تشکیل میدهد .

با این وجود مقدار محصولات کشاورزی بحدی است که گاهی ۹۰٪ آن باستانهای دیگر و یا بخارج کشور صادر میگردد ابزار تولید در کوهستانها گاو آهن و بیل است ولی در دشتها اکثر کارهای کشاورزی با ماشین صورت میگیرد بطوریکه آمار ماشین آلات کشاورزی نشان میدهد در حدود ۵۵۸۳ دستگاه تراکتور و ۶۷۹ دستگاه کمباین و ۴۱۴۰ دستگاه تیلر جهت شخم زمینهای مزروعی تا اول سال ۴۷ در استان مازندران مشغول فعالیت بوده اند که نیروی مکانیکی آنها از نیم میلیون اسب بخار تجاوز کرده است دولت با ایجاد آزمایشگاههای خاکشناسی و بررسی دفع آفات نباتی واحداث انبارهای بزرگ کودشیمیائی در آمل و گرگان و اصلاح بذرنه به - برنج - دانههای روغنی و غلات حد اکثر کمک لازم را به کشاورزان این منطقه می نماید محصولات عمده این استان بشرح زیر است .

فصل چهارم

(کلیات اقتصاد روستائی مازندران)

گرچه نحوه زراعت در نواحی کوهستانی مازندران مانند زراعت در نواحی دیگر کشور می باشد ولی در دشت حاصلخیز مازندران و گرگان که خاک زراعتی آن حاصل مواد برفتی و کودهای طبیعی و هوموس جنگلی است همراه با آب کافی و میزان بارندگی منظم سالیانه و هوای معتدل در سراسر ایران کم نظیر است توجه زیاد دولت باین استان وجود راههای ارتباطی و موقعیت زمینها که اجازه داده است از وسایل و ابزار کار میکانیکی حداکثر استفاده بعمل آید .

تمام شرایط لازم را جهت بهره برداری علمی و فنی از زمین فراهم نموده است معلوم نیست اگر بجای دهقان مازندرانی کشاورزان اصفهانی و یزدی در این استان مشغول کار میشدند چه نوع محصول و چه مقدار محصول بدست می آمد ؟

با اینکه عوامل انسانی تولید بحد لازم رشد نیافته است ولی استان مازندران از نظر اقتصاد کشاورزی رتبه اول را حائز گردیده است از ۴۷۳۶۵۰۰ هکتار مساحت

با اینکه پنبه‌گران و مازندران از نظر طول الیاف و رنگ و استقامت تارها از بهترین نوع پنبه جهانی بشمار میرود بعلمت عدم دقت و نبودن وسایل کافی برای جدا کردن و خشک کردن الیاف زیانهای جبران ناپذیری به محصول مزبور وارد میگردد، پراکندگی جغرافیائی و کشت این محصول عمده صادراتی ایران در استان مازندران و گرگان بشرح زیر است:

از راهسرتا رودخانه‌ها از اصولا کشت پنبه راوج ندارد و برنج کاری عمده ترین کار کشاورزان بشمار میرود زمین های بین رودخانه هراز و رودخانه تجن به کشت برنج - پنبه - غلات - سیفی کاری اختصاص داده شده است ولی از رودخانه تجن تا کنار رودساری سو واقع در بخش گلیداغ کشت پنبه و غلات مهم ترین محصول این نواحی است و بخصوص مرکز عمده کشت پنبه فاصله بین رودخانه گرگان و کوهپایه های جنوبی این ناحیه است.

برای اینکه محصول پنبه خوب شود لازم است زمین مرغوب انتخاب گردد بذر آزمایش شده کاشته شود آب و کود داده شود مبارزه با آفات پنبه بموقع انجام گردد. وقتی نکات فوق رعایت شود گاهی بوته پنبه از ۸۰ سانتیمتر ارتفاع و دهها شاخه پر محصول تجاوز می کند ولی در نواحی که یکی از عوامل فوق رعایت نگردد اغلب ارتفاع بوته از ۴۰ سانتیمتر و تعداد غنچه ها از ۱۶ عدد تجاوز نمی کند.

از هر هکتار زمین پنبه بطور متوسط بین ۱۲۱۹ تا ۱۵۰۰ کیلو پنبه و در حدود ۴/۵ تن و ش محصول برداشته میشود و بطور متوسط پس از کسر مخارج زیادهر هکتار زمین پنبه کاری مبلغی در حدود ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ تومان در آمد خالص دارد. برای اینکه اهمیت کشت پنبه در گرگان و مازندران مشخص گردد آمار زیر که از طرف وزارت کشاورزی در سال ۴۸ منتشر شده است بنظر خوانندگان میرسد.

۱ - پنبه

کشت پنبه که از هند با ایران انتقال یافته است و با مراقبت زیاد یکی از مهمترین محصولات کشاورزی این استان بشمار میرود. نوع پنبه مازندران بیشتر از (کوکر هندویل) است و اخیراً کشت نوع پنبه هندویلت رواج کلی گرفته که درازای الیاف آن به ۲۵ تا ۳۱ سانتیمتر میرسد.

کشت این گیاه بچند عامل مهم بستگی دارد که عبارتند از، زمین های مرغوب - رطوبت و حرارت کافی آب و آفتاب لازم مراقبت از گیاه و مبارزه دایمی با آفات گیاه مزبور می باشد.

این عوامل از شرق رودخانه هراز آمل تاده کریم ایشان و جنگل گلستان واقع در شرق کلالة وجود دارد گرگان و دشت بزرگترین میدان عمل کرد این گیاه می باشد. کشت پنبه هر ساله از اردیبهشت ماه شروع و گاهی نشاء از خزانه بر زمین منتقل میگردد ولی اغلب دانه در زمین پاشیده می شود.

پس از وجین مرتب در صورتیکه عوامل جوی مساعد باشد و آبیاری منظم صورت گیرد در شهریور ماه برداشت محصول شروع میشود و تا اواخر آبان ماه ادامه می یابد. کشت و برداشت محصول مزبور با کار دستی انسانی بستگی زیاد دارد. بطوریکه هر ساله متجاوز از پنجاه هزار کارگر غیر بومی وارد این منطقه می شوند با عوامل انسانی این منطقه به وجین کردن و جمع آوری پنبه می پردازند.

متأسفانه هنگام چیدن محصول و انبار کردن توجه لازم بعمل نمی آید در نتیجه

و $\frac{2}{3}$ برای مالک تقسیم میگرد و سپس این محصول به کارخانه‌های تصفیه پنبه تحویل میگردد. تعداد کارخانه‌های پنبه پاک‌کنی در گرگان و مازندران از ۳۱ واحد تجاوز نموده است و هر ساله این کارخانه‌ها در حدود یکصد و بیست هزار تن پنبه محصول این استان را تصفیه و عدل بندی می نمایند. در سایر نقاط پنبه خیز کشور نیز کارخانه‌های مشابه وجود دارد و طبق آمار زیر در ده سال اخیر در حدود ۷۰۰ هزار تن محصول کشور در کارخانه‌های مزبور آماده صدور به خارج از کشور یا کارخانه‌های نساجی گردیده است. در آمار مزبور بخوبی میزان صدمه حمله کرم خاردار به مزارع پنبه گرگان نشان داده میشود.

مقدار پنبه تصفیه شده کشور

شماره	سال	مقدار محصول
۱	۴۴-۴۵	۱۴۷/۹۲۹
۲	۴۵-۴۶	۱۱۲/۱۲۹
۳	۴۶-۴۷	۱۱۴/۴۴۵
۴	۴۷-۴۸	۱۶۵/۱۴۸
۵	۴۸-۴۹	۱۶۱/۱۰۵

در سال ۴۸ - ۴۹ از ۱۶۱/۱۰۵ تن محصول پنبه کشور در حدود ۹۷ هزار تن به خارج از کشور صادر گردیده است و بقیه در کارخانجات داخل بمصرف رسیده است. برای اینکه به اهمیت این طلای سفید و ارزش جهانی آن بیشتر توجه شود آمار زیر که مربوط به محصول جهانی پنبه در سال ۴۹-۴۸ بوده است برای ۱۵ کشور عمده پنبه خیز جهان ذکر میشود.

نام استان	گرگان	مازندران	خراسان	فارس	کرمان	آذربایجان	اسفهان
مقدار محصول	۹۱/۰۱۹	۲۴/۵۷۷	۲۰/۴۵۶	۱۱/۵۷۵	۲۲۹۲	۱/۶۷۵	۱/۰۳۷

از ۱۶۱/۱۰۵ هزار تن محصول پنبه سال ۴۸ در حدود ۱۱ هزار تن به گرگان و دشت تعلق داشته است و این رقم نزدیک ۷۰ درصد تولید پنبه کشور می باشد و ارزش آن از هفت میلیارد ریال تجاوز می کند در سال ۱۳۳۰ در گرگان و دشت تنها ۱۲ هزار هکتار زمین زیر کشت پنبه بوده است ده سال بعد در حدود ۱۳۲ هزار هکتار زمین به کشت پنبه اختصاص یافته است و این رقم طی ده سال تقریباً ۱۱ برابر گردیده است و محصول حاصله از ۵۰ هزار تن تجاوز کرده است.

تا سال ۴۵ بازم زمین های بیشتری زیر کشت پنبه رفته است بطوریکه در حدود ۱۷۰ هزار هکتار زمین به کشت پنبه اختصاص داده شد و محصول آن از ۷۸ هزار تن تجاوز کرده است و متأسفانه هجوم کرم خاردار بمزارع پنبه در سال مزبور موجب گردید که به محصول و کشت پنبه زیانهای بزرگی وارد شود و در حدود ۳۰۰ میلیون تومان باقتصاد کشور صدمه وارد گردید.

با این وجود کشت پنبه روز بروز گسترش بیشتری می یابد بطوریکه تا سال ۵۰ در حدود ۲۳۰ هزار هکتار از زمین های زراعتی گرگان به کشت پنبه اختصاص داده شده است.

محصول پنبه پس از برداشت بین زارع و مالک زمین به نسبت $\frac{1}{3}$ برای زارع

از ۱۱/۲۲۳ میلیون تن پنبه محصول جهانی سال ۱۹۶۹ در حدود ۰٫۱۲ درصد آن متعلق بایران بوده است و آمار مزبور بخوبی نشان میدهد که آمریکا و شوروی و سایر کشورهای صنعتی حداکثر در حدود ۱۰ درصد محصول پنبه خود را بصورت خام صادر می نمایند در حالیکه کشورهایمانند سودان - ایران سوریه در حدود ۶۰ درصد محصول پنبه خود را بصورت خام صادر می نمایند و این نشانه بزرگ عقب ماندگی این کشورها محسوب میگردد پیشنهاد می شود با توجه بفرآوانی کارگر در فصل غیر کشت و وجود رطوبت نسبی و نزدیکی به مراکز تولید پنبه تعداد بیشتری از کارخانجات نساجی - نخ ریزی در استان مازندران مستقر گردد و پنبه خام را تبدیل به پارچه و الیاف نموده و بجای پنبه صادر نمایند .

شماره	نام کشور	درصد تولید جهانی	مقدار محصول سالانه به هزار تن	مقدار صادرات سالانه به هزار تن
۱	امریکا	۱۹/۲	۲/۱۸۱	۶۰۷/۱
۲	شوروی	۱۷/۵۹	۱/۹۶۹	۴۴۷
۳	چین کمونیست	۱۳/۵۶	۱/۵۱۸	مشخص نیست
۴	هند	۹/۳۹	۱/۰۵۲	-
۵	برزیل	۴/۱	۶۷۲	-
۶	پاکستان	۴	۵۴۲	-
۷	جمهوری متحد غرب	۴	۵۴۱	۳۵۲
۸	مکزیک		۳۷۹	-
۹	ترکیه		۳۷۹	-
۱۰	سودان		۲۱۶	۱۹۲
۱۱	ایران	از	۱۶۵	۹۷
۱۲	سوریه		۱۵۰	۱۲۹/۴
۱۳	کلمبیا		۱۳۶	-
۱۴	آرژانتین		۱۲۵	-
۱۵	یونان	از	۱۱۲	-

« ۲ - کشت برنج »

شالیکاری یا برنج کاری یکی از مهمترین و اصلی ترین رشته های کشاورزی در استان مازندران محسوب میگردد هر جا آب باندازه کافی پیدا شود زمین ها تبدیل به کشت برنج میگردد علت آنهم درآمد بیشتر این محصول برای کشاورز و تأمین غذای اصلی مردم این سامان است .

چنانکه در بستر رودخانه تالار تا نزدیکی زیر آب و در بستر رودخانه سجاده رود بابل تا نزدیکی گاوزن محله کشت برنج توسعه یافته است حتی در قرناوه علیا واقع در نزدیکی مرز خراسان و مازندران هم چند هکتار زمین شالیزار دیدم . ولی بیشتر وسعت شالیزارها در غرب مازندران و سرحد وسیع بزرگ آنها اطراف آمل است . در حقیقت از رامسر تا غرب رودخانه بابل کشت شالی حاکم مطلق زمین ها محسوب میگردد .

در شرق از وسعت و اهمیت کشت برنج کاسته میشود و بعلمت نبودن آب کشت پنبه و غلات و غیره جای این کشت پرسود رامی گیرد .

برای کشت برنج زمین را در اواخر اسفند ماه شخم میزنند . وبا آبیاری کافی آنرا تبدیل به باتلاق می نمایند زمانی که درجه حرارت به ۱۴ درجه رسید یعنی از اواسط فروردین و گاهی اواسط اردیبهشت برنجی را که در خزانه تبدیل به نشاء نموده اند و بطول

چند سانتیمتر رسیده است دختران و زنان بداخل زمین های آماده میبرند و بانظم خاص نشاءها را در باتلاقها فرو میبرند این نشاءها بزودی ریشه خود را در زمین غرقاب شده بند می کند و بطوریکه در اواخر خرداد از شرق تا غرب مازندران تبدیل بدریائی از سبزه پر رنگ شالیزارها میشود و چون ماه شهریور و مهر فرارسد و خوشه ها پر بار برنج رسیده شوند درو آغاز میشود و شالی بدست آمده را پس از خرمن کوبی بکارخانه میبرند و از هر صد کیلوی آن هفتاد کیلو برنج خالص بدست می آورند .

از ۱۳۵ هزار هکتار زمین زیر کشت برنج در مازندران تنها در حدود ۳۵۰۰ هکتار آن در گرگان قرار گرفته است .

از هر هکتار زمین شالی زاری بطور متوسط ۳۶۰۰ کیلو شالی و یا ۲۲۰۰ کیلو برنج بدست میاید بنا بر این بطور متوسط هر ساله در حدود ۳۴۰ تا ۴۰۰ هزار تن برنج از زمین های مازندران برداشت می شود . که ارزش تقریبی آن از هفت میلیارد ریال تجاوز نموده است .

متأسفانه توجه بیش از حد به کیفیت برنج یعنی پرورش برنج دراز دانه مانند برنج طارم صدری و غیره سبب گردیده است که از هکتار زیر کشت حداکثر ۲/۵ تن برنج برداشت شود در حالیکه در مرکز تحقیقاتی برنج پرورش برنج دانه گرد شماره ۱۷۲ ایتالیائی و ۱۴۶ آمریکائی و دانه گرد تامیچوچینی در هر هکتار بین ۸ تا ۱۰ تن محصول برداشت گردیده است بابکار بردن متدهای جدید و برداشت علمی از زمین های مزبور می توان بطور متوسط در حدود یک میلیون تن محصول برنج از زمین های زیر کشت در مازندران برداشت نمود .

کارشناسان عقیده دارند اولاً باید زمین های شالیزار را کاملاً مسطح نمود و شیبها را از بین برد و مرزها را عریض تر و بلندتر ساخت تا هر ساله مرز بندی جدید صورت نگیرد و زمین بیشتری زیر کشت رود در ثانی در مدت چهار ماه دوره رشد بوته برنج

حداقل ۴۰ بار زمین را کم آب یا خشک نمود . تا بوته‌ها کاملاً تشنه شوند و بموقع بتواند حداکثر آب و مواد غذایی را از زمین دریافت دارند . ثانیاً مقدار کودشیمیائی بر حسب نوع زمین و مقدار آب و غیره تنظیم گردد و بطور متوسط از حداقل ۱۲۵ کیلو سوپرفسفات و ۱۳۵ کیلو اوره برای هر هکتار در مازندران غربی استفاده شود و این نسبت در زمین‌های مربوطه آزمایش گردد .

انواع برنجی که در مازندران بدست می‌آید و دارای معروفیت هستند عبارتند از طارم - صدری - مهر - فیروز - شصت یک - مسوا - تخم رشتی و غیره و برنج دانه گرد که کمتر در بازار مشتری دارد عبارتند از برنج‌های چمپا - گرده و تامچو . هم‌اکنون در مازندران مسابقه شدیدی برای تبدیل زمین‌های خشکه به شالیزار وجود دارد که در صورتی توجه دقیق بآن نشود ، مشکلاتی از نظر تأمین آب درآینده بوجود خواهد آورد .

«۳- کشت غلات»

کشت غلات در نواحی کوهستانی و شرق مازندران کشت بومی و قدیمی مردم محسوب می‌شود . و در کوهستانها بعلمت عدم دسترسی بآب کافی و سردی هوا از روی ناچاری کشت گندم و جو رواج داشته است و انواع بذر بومی - ترکی - مکزیککی در این استان آزمایش گردیده و اخیراً بذر ترکی و مکزیککی در اغلب مزارع کشت می‌شود در حالیکه در گرگان بعلمت نبودن آب و گاهی جانشین شدن گندم و جو بجای پنبه کشت غلات رواج کلی یافته است .

طبق آمارهای که سازمان برنامه انتشار داده است در سال ۱۳۳۰ در مازندران و گرگان در حدود یکصد هزار هکتار زمین به کشت غلات اختصاص داشته است این رقم در سال ۱۳۴۰ به ۲۹۵ هزار هکتار و محصول آن در حدود ۳۲۰ هزار تن در همان سال افزایش یافته است که محصول آن شامل گندم - جو - ذرت بوده است و در سال ۴۵ بعلمت حمله کرم خاردار بمزارع پنبه کشاورزان دشت گرگان مجبور شدند کشت غلات را جانشین پنبه نمایند و در نتیجه زمین‌های که زیر کشت گندم و جو رفته‌اند تنها در گرگان از ۳۵۰ هزار هکتار تجاوز کرده و محصول غلات تنها در گرگان از ۵۵۰ هزار تن تجاوز نموده است و در سال ۴۸ - ۴۷ در حدود چهارصد هزار هکتار از زمین مزروعی مازندران

وگرگان زیر کشت غلات بوده است و در حدود ۶۲۵۰۰۰ تن محصول بارزش تقریبی سیصد و ده ملیون تومان بوده است. کشت گندم و جوو ذرت بطریق دمپینگ (۱) و بوسیله ماشین آلات صورت میگیرد و هیچگونه زحمت و کار اضافی برای کشاورزان تولید نمی کند زیرا سازمانها و اشخاصی هستند که زمین را در مقابل هر هکتار دویست تا چهارصد ریال شخم میزنند و چون زمین بطور دیم کاشته شده رنج آبیاری و غیره وجود ندارد. پس ازرسیدن محصول همان مؤسسات و سازمانها بوسیله کمباین مزارع را درو و محصول را در کیسه در بسته تحویل صاحب زمین میدهند و اکثر خریداران خود در مزرعه حضور دارند و پس از خرید محصول آنرا بانبارهای خود حمل می نمایند. کشت حبوبات و بقولات در نواحی کوهستانی مازندران و گرگان رواج کلی دارد و بخصوص از ساری تا کردکوی در اغلب مزارع کشت این محصولات جای مهم دارد و رویهمرفته در حدود چهار هزار هکتار از زمینهای زراعتی را اشغال نموده است.

(۱) برداشت محصول زیاد با کارگر کم و ماشین آلات لازم Demping

«۴ = کشت توتون»

کشت توتون در بسیاری از نقاط مازندران بخصوص در مازندران مرکزی و شرقی رواج کلی دارد و در بابل کنار و باغدشت شاهی و بورخیل شاهی گرفته تا علی آباد کنول گرگان کشت توتون رواج یافته است. ابتدا کشت این محصول با همکاری کارشناسان یونانی توسعه یافته است. کشت این محصول بسیار پر زحمت و اغلب کشاورزان بعلت تشریفات زیادی که خرید این محصول دارد. ورشکست شده اند برای کشت توتون - ابتدا در خزانه تخم رامیکارند و رشوه میدهند تا تبدیل به نشاء شود.

نشاء را در مزارع میکارند پس از رشد نهال توتون باید پیوسته مواظب رشد برگهای حساس و مختلف این گیاه بود و آنرا سمپاشی نمود و پس از رشد گیاه هر روز صبح دهها زن و دختر به چیدن برگهای آن می پردازند. و بعد این برگها را به نخ بکشند و در گرم خانه های مخصوص آویزان نمایند تا کاملاً خشک شوند و سپس در عدل بندی آن نهایت مراقبت را بعمل آورند. در سال ۴۵ در بورخیل یک ماه شاهد فعالیت توتون کاران بودم زحمات آنها فوق العاده زیاد و درآمد کارگران این گیاه که اغلب زنان جوان و دختران می باشند اکثرآ از ۲۸ ریال در مقابل ۱۳ ساعت کار تجاوز نمی کرد. زیرا کارچیدن برگ از گیاه و حمل آن بانبار و دوختن هر رشته از طرف کارگران با پرداخت ۱۵ ریال از طرف صاحب مزرعه خریداری میشد و زرننگ ترین کارگران جوان می کوشید ۱۲ تا ۱۹ رشته برگ توتون در روز تحویل دهد. در حالیکه امکان

مسموم شدن کارگران مزبور وجود دارد . حداکثر محصول توتون در هر هکتار از يك تن تجاوز نکرده است در تیرتاش بهشهر مقدار توتون بدست آمده در هر هکتار در حدود يك تن و این بالاترین رقم محصول بوده است و خرید توتون با درجه بندی از طرف اداره دخانیات محل از قرار هر کیلو ۲۵ ریال تا ۸۰ ریال خریداری میشود و بنابراین برای هر هکتار بطور متوسط دونا سه هزار تومان پرداخت میشود . در مقابل هزینه تولید يك تن برگ توتون بسیار بالا است و گاهی تا نصف مبلغ بالا را باید صرف آماده کردن زمین و نشاء ، وجین کردن ، ننج کشیدن ، خشک کردن ، سمپاشی و حمل آن نمود .

با این وجود اداره خریدار پیش پرداخت هائی به کشاورزان میدهد .

در حدود ۱۸۰۰ تا ۳۰۰۰ هکتار از زمین های مازندران و گرگان به کشت توتون اختصاص داده شده است .

کشت سبزیجات خوردنی جز در اطراف شهرهای بزرگ بندرت صورت میپذیرد کشت سیفی جات و کاهو کاری در اطراف شهر بابل رواج کلی دارد . بوستان کاری در بابل - بهشهر - دشت ناز - گرگان رواج کلی دارد . و در حدود ۲۰ هزار هکتار زمین بآنها اختصاص داده شده است .

«مر کبات»

با اینکه پرورش درختان مر کبات از زمان شاه عباس بزرگ در این استان رواج یافته است ولی بعلت عوامل جوی متغیر هنوز هم درخت مزبور با آب و هوای مازندران توجیه نشده و هر چند سال یکبار هجوم هوای سرد و برف شدید ساقه این گیاهان همیشه بهار راهی سوزاند و میلیاردها ریال سرمایه کشاورزان و باقتصاد کشور زیان وارد میسازد . کشت و پرورش مر کبات در غرب مازندران بخصوص در شمسوار رواج کلی دارد و حاکم واقعی دشت های اطراف شمسوار بشمار میرود . در سیاه ورز و قلعه گردن شمسوار درختانی با سن متجاوز از ۲۰۰ سال وجود دارد که همچو درخت سکه متجاوز از ده هزار دانه پرتقال درشت بار میدهد و ارزش و بازدهی هر يك از این درختان در سال از چهل هزار ریال تجاوز می کند .

زمانی ارزش این درختان سکه به کشاورزان مازندرانی ثابت شد که خوردن پرتقال از انحصار اشراف بدرآمد و خوردن این میوه پایه و قوام عمومی گرفت . بزودی تبدیل زمین های خشکه به باغات مر کبات رواج کلی یافت بخصوص در اطراف شهرها سرعت زمین ها تبدیل به باغ گردید و این باغات مر کبات در حدود ۲۵ هزار هکتار از زمین های مازندران را بخود اختصاص داده و محصول سالیانه آن از

یکصد و پنجاه هزار تن بارزش سه میلیارد ریال تجاوز نمود .

بهترین نوع پرتقال فعلی مازندران در شهسوار بدست میاید که دارای بوست نازک و مزه ترش و شیرین می باشد و تازگی در ساری نوعی نهال جدید پرورش یافته است که از نظر مزه و طعم بهتر از پرتقال شهسواری می باشد .

علاوه بر پرتقال نارنگی بمقدار فراوان، بخصوص در ناحیه ساری رشد پیدا می کند و انواع نارنگی خوشه ای و محلی پرورش داده اند . انشو و دارابی و تو سرخ و نارنج از انواع محدودتر مرکبات مازندران بشمار میروند در اطراف شهسوار با اینکه پرورش درختان مرکبات بصورت تک محصولی است ولی خانوادهائی هستند که از این میوه اشرافی هر ساله متجاوز از دو میلیون ریال درآمد دارند .

هر هکتار باغ مرکبات در سال بطور متوسط در حدود یکصد هزار ریال محصول میدهد هزینه نگهداری این باغات ناچیز است زیرا هر سال دو بار سم پاشی می شود و چین محصول مرکبات و هر زکردن باغات اغلب بوسیله کارگران غیر بومی صورت میگیرد خوردن و خوابیدن و چشم بدرختان سکه دوختن کار بعضی از باغ داران این نواحی است . در مازندران مرکزی و شرقی بتدریج درختان دیگر جای درختان مرکبات را میگیرد در ارتفاعات درختان میوه و سایر سیاه ریشه ها باغات روستاها را پوشیده است از کلوگاه هر چه بشرق برویم تعداد درختان مرکبات کمتر می شود قبلا در نواحی ترکمن - نشین اصلا توجهی بدرخت و بخصوص درختان میوه نمیشد . اخیراً احداث باغات در بسیاری از نقاط مازندران شرقی رواج کلی یافته است و این میوه ها شامل سیب خوب هلو - گوجه - انجیر - انار - آلبالو و غیره است . بنظر می رسد برای بهره برداری بهتر از این باغات تأسیس و تجهیز انستیتوهای بررسی علمی و پرورش درختان میوه ضرورت کامل دارد از آن مهمترا ایجاد سازمان تعاونی که بتواند بدون کاغذ بازی و الیکارشی محصول لازم را با قیمت عادلانه از دهقانان بخرد و با اندک سود در اختیار مصرف کنندگان

قرار دهد گرچه رسیدن باین هدف با تجربه سازمانهای تعاونی و فروشگاههای اداری در شرایط کنونی محال بنظر میرسد .

با این وجود بررسی چگونگی عقب ماندگی بازده محصول در سطح هکتار امری جبری است بخصوص که در اسپانیا و آمریکا از هر هکتار باغ مرکبات در حدود ۷۰ تن مرکبات بدست می آید باید دید چرا هر هکتار باغ در آن کشورها ۱۴ برابر ایران محصول میدهد .

که مهمتر از همه ذرت و دانه‌های روغنی است که بخصوص در حدود ۶ هزار هکتار از زمین‌های مازندران در اطراف بابل و نواحی شرقی مازندران زیر کشت ذرت است و البته ایران هر ساله ناچاراً ۴۰ هزار تن محصول مورد نیاز خود را از کشورهای دیگر وارد می‌کند.

کشت دانه آفتاب‌گردان و دانه‌های روغنی دیگر رواج کلی دارد بخصوص در اطراف گرگان اهمیت زیادی به کشت این گیاهان می‌دهند.

کشت کتف در بسیاری از نقاط مازندران مرکزی رواج دارد و تبدیل الیاف این گیاه دراز به کتف با زحمت زیاد توام است و کارخانه‌گونی بافی شاهی خریدار عمده کتف در این استان است. کشت نیشکر سالیان دراز در مازندران رواج کلی داشته و در جنوب بابل و شاهی هنوز هم در چند ده کارگاه آب‌گیری از نی نیشکر وجود دارد که نصفیه شکر آن بطریق ابتدائی صورت می‌گیرد.

«کشت چای»

کشت چای که با انقلاب مشروطیت ایران همسال و هم زمان است از اقدامات بسیار ارزنده آن دوره بود. هم‌اکنون در حدود ۴۰ هزار هکتار زمین‌های لاهیجان لنگرود - رامسر را در بر گرفته است و تقریباً ۸۰٪ احتیاجات داخل کشور را تأمین می‌نماید و بوته‌های درختچه مانند این گیاه پرارزش عمر زیادی دارد و محصول بهاره آن که با دقت و زحمات شبانه‌روزی دهقانان بدست می‌آید مراقبت شدید بکارخانه‌های چای سازی تحویل داده میشود برگ سبز چای را بر حسب مرغوبیت بسه درجه تقسیم کرده‌اند که برگ درجه یک را کیلوئی ۲۵ ریال می‌خرند و در کارخانه به خشک کردن و تبدیل آن به چای مورد مصرف می‌پردازند.

در مازندران تنها در نواحی رامسر و شهسوار به کشت این گیاه می‌پردازند و در سایر نقاط کشت چای یا آزمایش نشده یا نتیجه خوبی بدست نیامده است ۱۲۵ کارخانه چای سازی در غرب مازندران و شرق گیلان بکار خشک کردن چای مشغول هستند که رویهم در حدود بیست هزار تن محصول سالیانه خود را تحویل مقامات دولتی می‌دهند بنابراین سهم مازندران از چای تولید شده زیاد نیست اکثریت مزارع چای متعلق به استان گیلان است و چای کاران مدتهاست بر سر قیمت محصول خود با مقامات دولتی در حال چانه زدن هستند. محصولات متعدد دیگری در این استان کاشته و پرورش می‌یابد

دام داران مهاجر بشیوه دام داری ایلی کاملاً وارد هستند بخصوص کردها و سنکسریها گوسفندان دنبه‌دار و قوچ‌های زیبا و از نژاد بهتری در اختیار دارند و از شیر گوسفند کمتر استفاده می‌نمایند و در حقیقت قسمت عمده شیر میش در اختیار بره می‌باشد تا شیر هست شود و از نظر گوشت فرجه گردد

بطوریکه اصول دام داری را بهتر رعایت می‌نمایند و می‌توان گفت بهترین نژاد گوسفند آسیائی را در اختیار دارند در حالیکه نژاد گوسفند مازندرانی نژاد بسیار پست و منحطی است که بدون دنبه بوده و اغلب وزن متوسط يك گوسفند سه ساله از ۱۲ کیلوگرم تجاوز نمی‌کند.

این گوسفندان اغلب بیمار لاغر و کم شیر می‌باشند بعلت وجود با تالاقها و گند زارهای فراوان اغلب با انواع انگل‌ها مبتلا و بنظر میرسد يك دام‌دار مازندرانی تنها وقت خود و مقداری از گیاهان کوهها و جنگلها را به‌در می‌دهد زیرا این شیوه دام‌داری که توأم با بیلاق و قشلاق می‌باشد آنهم با نژاد زل سودی برای کسی ندارد در بچگی در شهر اراك گله‌های لری را دیده بودم با اینکه بشیوه‌های کهنه دام داری می‌نمودند هر يك از گوسفند‌های این گله‌ها حداقل برا بر پنج گوسفندی زل مازندرانی گوشت داشت.

گله‌داران مازندرانی عقیده دارند نژاد زل برای گردش و چرادر بوته‌های جنگلی نژاد بسیاری خوبی است در حالیکه در سالهای قبل از جنگک چند مرکز تربیت گوسفند مرینوس در اطراف آمل - شاهی بوجود آمده بود که نتایج بسیار خوبی هم داده بود ولی بعلت سنت پرستی و بی‌سوادی دام داران بازم بر وال و شیوه‌های کهنه اجدادی پرداختند. پرورش اسب و شتر تقریباً در حال نابودی است زیرا ماشین جای آنها را گرفته و در بعضی نقاط کوهستانی دشت گرگان بطور محدود رواج دارد.

اما پرورش گاو وضع بهتری دارد گاوها از مراتع جنگلی نهایت استفاده را می‌برند ناگفته نماند که گیاهان در مناطق کوهستانی و در هر جایی که روزهای آفتابی زیاد

«دام‌داری در مازندران»

گرچه دام داری در مازندران و گرگان اهمیت سابق خود را از دست داده است و اهالی کارگله‌داری را بازراعت وجهان کردی را با سکونت در يك جا عوض کرده‌اند. بعلت تبدیل مراتع گرگان و دشت به زمین‌های مزروعی و ادامه همین کار در بسیاری از روستاهای مازندران دام‌داری کنونی بتدریج متروک و حتی در بعضی روستاها فراموش گردیده است.

قبلاً پرورش گوسفند - گاو - اسب - شتر در مازندران و گرگان رواج کلی داشته است و البته هنوز هم بعضی از طوایف ترکمن و افراد ایلات کرد قوچانی - شاهکوهی و سنکسری‌ها کاری جز دام داری ندارند و هر ساله اوائل پائیز از نواحی گلیداغ وارد گرگان و دشت می‌شوند و تمام پائیز و زمستان را در این نواحی بسر می‌برند و اوائل بهار بسوی ارتفاعات خراسان می‌روند و تا اواخر تابستانها در این نواحی هستند. هنوز هم در اواسط بهار صدها هزار گوسفند دنبه‌دار سنکسریها - فیروزجاییها - دماوندیها و طوایف دیگر فاصله اعلم کوه تا دماوند و ارتفاعات آمل و بندپی بابل و فیروز کوه را اشغال می‌نمایند.

است و خشکی هوا بیشتر است بهتر و خوشبو تر است و دامپانهايت استفاده راهی نمایند
متأسفانه در خود مازندران با اینکه گیاه فراوان است ولی کمبود آفتاب و رطوبت زیاد
مواد غذائی ویتامینهای لازم را در گیاه ذخیره نمی نماید .

حرکت دائمی و ییلاق - قشلاق دامها که بقول یکی از گله داران سنکسری
گاهی از سیصد کیلومتر در سال تجاوز می کند زیان بیشتری به وزن گوشت و دام
وارد می سازد .

در بسیاری نقاط ایران هر دهقانی علاوه بر کار کشاورزی چند دام و مرغ و
و غیره در خانه خود نگهداری می کند اما در مازندران این رسم بتدریج متروک گردیده
است بطوریکه در بسیاری از روستاهای اطراف آمل حتی يك گوسفند وجود ندارد و
و بسیار دیده ام روستائیان را که حتی وقتی بشهر می آیند گوشت و حتی مرغ و سبزی
هم برای خوردن خریداری می نمایند و بده حمل می نمایند با این وجود طبق آمار
وزارت منابع طبیعی در تمام مازندران ۲۳۳۰/۰۰۰ دام وجود دارد که ۱/۱۵۰ میلیون
گوسفند و ۶۰۰ هزار گاو و بقیه بز و بزغاله بوده است .

در گرگان و دشت تا پایان سال ۴۸ قریب ۹۵۰ هزار گوسفند و صد هزار گاو
و گوساله وجود داشته است .



دامداری با روش کهنه سرعت منسوخ میگردد

«اقتصاد شهر و ده»

نظر باینکه بررسی اقتصاد روستائی بیشتر مورد توجه بوده و به بررسی سایر رشته‌های اقتصادی ارتباطی ندارد، و از عهده این مقاله خارج است، شاید در کمتر استانی از کشور ایران تا این حد اقتصاد روستاها روی اقتصاد زندگی شهرها تأثیر دارد و اکثریت شهرهای مازندران کاملاً با اقتصاد روستائی وابسته اند.

ممکن است در اصفهان - تبریز - و شیراز کار اصلی مردم شهر کار بر روی مواد خام و تبدیل آن بمواد و کالای مورد نیاز روستائیان و شهرنشین‌های سایر نقاط باشد اما در شهرهای مازندران اکثر مردم شهرنشین کار اصلی خود را در اقتصاد کشاورزی جستجو می‌نمایند بطوریکه در بزرگترین شهر استان مازندران یعنی گرگان و یا گنبد در صورتیکه یکسال خشک سالی پیش‌آید و پنبه و غلات دچار آفات شوند مردم این دو شهر از زندگی ساقط خواهند شد زیرا اکثریت مردم این شهرها کشاورزانی هستند که در گرگان و گنبد سکونت نموده‌اند، یا اگر یکسال رودخانه هراز آب کافی از کوهستانها بدشت نیاورد و برنج اطراف آمل دچار نقصان گردد مردم شهر آمل صدمه فراوانی خواهند دید.

وقتی در مورد شهرهای بزرگ مازندران وضع اینطور باشد در مورد شهرکها

که تعداد آنها از بیست متجاوز است مشخص میگردد که اغلب این شهرکها همان روستاهای بزرگ هستند که در مجاورت جاده‌های آسفالت‌پس از جذب جمعیت روستاهای بزرگ بنام شهر نامیده می‌شوند مثلاً محمودآباد و نشتارود و شاه پسند تنها يك خيابان دارند آنها هم جاده عمومی است که خانه‌ها و مغازه‌ها را درکنار آن ساخته‌اند .

شهرهای عمده مازندران عبارتند از گرگان - بابل - ساری - گنبد - شاهی - آمل - بهشهر - شهنسوار - رامسر که جمعیت آنها بین ۲۰ تا ۶۰ هزار نفر است بقیه شهرکها جمعیت کمتر از بیست هزار نفر دارند ولی عبور جاده‌های آسفالت‌درجه يك تهران خراسان - دشت - بابل درآینده نزدیک موجب گسترش این شهرها میگردد برای درك اهمیت جاده در گسترش این شهرها می‌توان از ده علی‌آباد نام برد که در حدود چهل سال قبل با احداث جاده تهران - فیروزکوه علی‌آباد بنام شاهی نامیده شده و سرعت درکنار این جاده از شمال - بجنوب گسترش یافت ، طولی نکشید که جاده مزبور متروک و جاده آسفالت‌ته تهران ساری ازکنار شاهی عبور کرد در اینموقع توسعه شهر در کنار و طرفین جاده جدید صورت گرفت و توسعه شهر از غرب به شرق سرعت انجام پذیرفت .

بنابراین می‌توان گفت هر جا جاده آسفالت‌ته میرود توریست میرود و زمین‌های شهرکها قیمت پیدا می‌کند و بوسیله مردم تهران و سایر شهرستانها خریداری میگردد و با هجوم این توریستها اقتصاد شهری توسعه می‌یابد و در ارتباط با روستاهای مجاور قوام و دوام می‌یابد . اصولاً بعلت نزدیکی زیاد این شهرکها بیکدیگر و نزدیکی و پیوند تمام روستاهای مازندران بهم امکان ایجاد شهرهای بزرگ کم شده است . با اینکه اقتصاد شهرهای مازندران تا این حد به اقتصاد کشاورزی و زمین‌داری - وابسته است ولی در بعضی شهرها صنایع مدرن نساجی و غذائی رشد فوق‌العاده یافته‌اند. در شهر شاهی دو کارخانه بزرگ چیت بافی و کارخانه گونی بافی و کنسروسازی

وجود دارد که کارخانه‌های نساجی آن هر ساله با ۳۲۹۰۰۰۰ دوک ۴۰ میلیون متر پارچه تولید می‌نمایند .

در بهشهر کارخانه بزرگ چیت سازی و نخ ریزی فعالیت دارد که با تعداد ۵۸۰۰۰ دوک در حدود ۳۰ میلیون متر پارچه تولید می‌کند در چالوس کارخانه حریر بافی کم نظیر ایران از سالهای قبل بعلمی تعطیل گردیده است ، کارخانه تصفیه روغن نباتی در بهشهر - نکا - علی‌آباد ساری فعالیت دارند و رویهم ۱۵۴ واحد بزرگ صنعتی و ۴۲ کارگاه مواد معدنی با ۲۱ هزار نفر کارگر در مازندران فعالیت دارند از آنجمله ۲۶ کارخانه تصفیه پنبه در گنبد و گرگان هر ساله در حدود ۹۰ هزار تن پنبه را تصفیه و عدل بندی می‌نمایند غیر از این کارگاههای بزرگ که تعداد کارگرهای آنها از رقم هشت هزار نفر تجاوز می‌کند طبق آمار سال ۴۲ در حدود ۹۷۰۰ کارگاه و مغازه در سراسر شهرهای مازندران مشغول فعالیت بوده‌اند و رویهم در حدود ۳۳۸۰۰ نفر کارگر داشته‌اند (نقل از آمارگیری صنعتی کشور مرداد سال ۴۲ سری ص ۲) و اکثریت افراد مزبور در کارگاههای قالی بافی ، کفاشی ، نجاری ، شالیکوبی ، تعمیر - گاههای مختلف ماشین‌آلات و لوازم الکتریکی و صنایع نساجی و صنایع غذائی مشغول فعالیت بوده‌اند و تعداد کارگاههای صنعتی این استان از نظر کمیت ، تعداد آنها در حدود تعداد کارگاههای موجود در يك شهرستان متوسط بوده است .

اما اقتصاد شهرهای مازندران بعلت نداشتن کارخانجات مدرن هرگز دچار نکبت نگردیده‌است زیرا استعداد فوق‌العاده کشاورزی روستاهای مازندران که اصولاً فاصله‌ای بین آنها وجود ندارد و مرز این ده‌ها زمین‌های ده مجاور شروع میشود پیوسته به اقتصاد شهری کمک می‌نماید .

بعلاوه بعلت نزدیکی فواصل که بین شهرهای مازندران موجود است امکان بوجود آوردن يك شهر بزرگ و دهها شهر دور افتاده و کوچک در این ناحیه

«ارتباطات»

کوهستانهای عظیم البرز پیوسته مانع بزرگی برای ارتباط فلات مرکزی ایران باکناره دریای مازندران بوده است. موانع پیچیده تر و مشکل تر مانند رودخانه های فراوان، جنگلها، مراتع و باتلاقها در طی قرون گذشته مازندران را بصورت استانی نیمه مستقل درآورده بود.

بزرگترین راهی که در سراسر مازندران وجود داشته و از دوره صفویه مورد بهره برداری بوده و راه ناهموار و باتلاقی رشت به استرآباد بوده که در بازدید بعضی جهانگردان خارجی توصیف گردیده است این راه بزرگ قدیمی هر ساله بعلت نزولات جوی و موانع بیشمار طبیعی باید مرمت می شد و گرنه عبور و مرور از آن خطرناک میگردید. خوشبختانه بعلت توجه فوق العاده ای که دولت باین استان زرخیز نموده است این استان به نسبت وسعت از نظر راههای اصلی و فرعی در صدر استانهای دیگر قرار گرفته است.

تهران با جاده های آسفالتی درجه یک هراز - چالوس - رشت - شاهپسند مشهد - جاده کناره بامرکز این استان ارتباط می یابد و بیستم ۶۵۳ کیلومتر جاده آسفالتی درجه یک این استان را با سایر استانهای مجاور متصل می سازد.

خطوط انتقال انرژی برق از ۱۴۱۵ کیلومتر تجاوز نموده است که ناقل انرژی فشار قوی برق (۳۳۰-۶۲-۲۰ هزارولتی بوده است و در سال ۱۴ میلیون کیلووات ساعت برق انتقال داده است (سال ۴۹) در ضمن در گرگان يك مرکز فرستنده رادیویی که برنامه‌های محلی را اجرایی کند ایدر است اخیراً در ساری هم مرکز فرستنده‌ای ساخته شده که در اول سال پنجاه از آن بهره برداری میشد .

جاده‌های شاهپسند - شاهرود - ساری کیاسر - فولاد محله این استان را بقلات مرکزی متصل می‌نماید راه آهن شمال از گدوگ تا بندرشاه و گرگان به طول ۲۹۳ کیلومتر یکی از شاهکارهای مهندسی راه سازی را در این استان بوجود آورده است. اما مهمتر از این جاده‌های اصلی می‌توان در حدود ۶۰ رشته راههای فرعی را ذکر کرد که در سراسر استان پراکنده هستند و اقتصاد روستائی این استان را دگرگون خواهند کرد در حدود ۹۵۴ کیلومتر از این جاده‌ها در برنامه سوم پیش بینی شده بود که بوسیله وزارت آبادانی و مسکن و وزارت راه در حدود ۷۷۰ کیلومتر آن خاتمه یافته و بقیه آن از برنامه حذف گردیده است چون جاده‌های مزبور از نظر اقتصاد روستائی دارای اهمیت زیادی هستند در زیر نام عمده ترین آنها ذکر می‌شود .

دهها رشته جاده فرعی دیگر وجود دارد که بعضی بهار و تابستان قابل استفاده هستند مانند جاده گمیشان بنیاور - پهلویندز و بسیاری از آنها در تمام مدت سال قابل بهره برداری هستند این جاده که ذکر شد اغلب دارای مشخصات فنی محاسبه شده‌ای هستند که طبق طرحهای مهندسی انجام پذیرفته، دهها رشته راههای فرعی کوچک که بوسیله روستائیان کشیده شده این جاده‌های فرعی را به روستاها متصل می‌سازد .

با این وجود احتیاج به جاده یکی از مبرم ترین نیازهای روستائیان محسوب میگردد از ۲۳۸ تقاضای طرح عمرانی در منطقه آبادانی و مسکن آمل ۴۲ درصد آن تقاضای احداث جاده بوده است سال ۴۸ علاوه بر جاده‌های مزبور ارتباط از طریق راههای آبی دریائی بندرت صورت میگیرد قبل از وقایع شهریور ۲۰ تجارت از بندرشاه با بنادر غربی و شرقی و جنوبی دریای مازندران رواج کلی داشته است ارتباط هوائی زیاد انجام نمیگیرد بعلت وجود پایگاههای هوائی که بیشتر جنبه نظامی دارد چند فرودگاه درجه سه در رامسر، گرگان ، دشت نازهم وجود دارد که فعالیت زیادی ندارند . طبق آمار سال ۴۸ در حدود ۷۱۷ کیلومتر خطوط تلگرافی و تلفنی و ۶۲ دفتر پستی در این استان فعالیت داشته‌اند .

شماره	نام جاده از مبدأ تا مقصد	طول به کیلومتر	شماره	نام جاده از مبدأ تا مقصد	طول به کیلومتر
۲۳	ساری - فرح آباد	۵۲	۳۳	گرگان - نهارخوران	۸
۲۴	ساری - کیاسر - بولاد محله	۸۶	۳۴	دوراهی قره قاج - رامیان	۸
۲۵	شاه آباد - ولوجا	۳۶	۳۵	شاه پسند - خوش بلاق	۶۰
۲۶	نکا - نوروز آباد	۳۴	۳۶	گنبد - میودشت	۲۰
۲۷	بهبهر - زاغمرز	۲۶	۳۷	گنبد - کلاله - مراوه تپه	۱۳۰
۲۸	بهبهر - یعقوب محله	۳۲	۳۸	شاه پسند - کلیداغ قر ناوه	۴۱
۲۹	گلوگاه - ملاخیل	۴۳	۳۹	گنبد - شاه مزرعه	۵۱
۳۰	نوکنده - بندر شاه - کمیشان	۴۳	۴۰	گنبد - اینجه برون	۴۶
۳۱	کردکوی - بندر شاه	۱۲	۴۱	گنبد - داشلی برون	۶۰
۳۲	گرگان - پهلویندژ - ایشک تپه	۸۴			

جمع کل ۸۷۲

شماره	نام مسیر	طول به کیلومتر	شماره	نام مسیر	طول به کیلومتر
۱	چالکرو - چورته	۵۱	۱۱	سولده - باده تیمه تمام	۴۴
۲	کیاسر جواهرده - سادات محله	۴۳	۱۲	سولده - آمل	۴۰
۳	دشتارود - رودگر محله - رامسر	۱۳	۱۳	سرخ رود - آمل	۲۴
۴	ولی آباد - رمک رامسر	۳۷	۱۴	فریدون کنار - آمل	۳۵
۵	کلاردشت - مرزن آباد	۱۷	۱۵	آمل - بابل جاده قدیمی	۲۹
۶	کلاردشت عباس آباد - هیرداب	۳۰	۱۶	حمزه کلا - دیو بابل	۳۰
۷	پل دو آب گلندرود	۸۶	۱۷	بابل - مرزی کلا شیرگاه	۴۲
۸	عملده گلندرود کجور	۲۸	۱۸	بابل - کیا کلا - جویبار	۴۲
۹	پل زنگوله - بلده	۶۱	۱۹	بابلسر - کیا کلا	۲۷
۱۰	دو آب - بلده	۵۴	۲۰	شاهی - جویبار	۲۱
			۲۱	زیر آب - الش	۴۱
			۲۲	پل سفید - پاچی	۳۷

جمع کل ۸۳۲

را از راه کار در کوره‌های گچ و تهیه مصالح ساختمانی تأمین می‌نمایند .
بسیاری از اهالی روستاهای اطراف به‌شهر معاش خود را از راه کار در کارخانه
پارچه بافی به‌شهر تأمین می‌نمایند و اهالی آشورده زندگی خود را از راه صید ماهی
تأمین می‌کنند .

با این وجود چون اکثریت مردم روستاها زندگی خود را از کار بر روی زمین
و اقتصاد روستائی تأمین می‌نمایند می‌توان تا حدی تعریف فوق را پذیرفت .
از نظر تعداد جمعیت هم می‌توان برای ده تعریفی یافت و گفت خانواده‌هایی
که بر روی زمین مستقر شده‌اند و جامعه مرکب از چند نفر تا ۱۵۰ نفر را بوجود
آورده‌اند مزرعه و از ۱۵۱ تا ۲۵۰ نفر دهکده و از ۲۵۱ تا ۴۹۹۹ نفر دهرا بوجود
آورده‌اند .

این تعریف هم از کلیت کامل برخوردار نیست و بسیاری از روستاها مانند نشل
و سنگ‌جال از بیلاقات آمل و بابل را می‌توان از نزدیک مشاهده نمود که در تابستان
جمعیت آنها از ۵۰۰۰ نفر هم تجاوز می‌کند ولی چون هوا سرد می‌شود . و پائیز فرا-
می‌رسد جمعیت آنها تا حدیک مزرعه تغییر می‌کند یا بعضی از شهرک‌ها شه‌میرزاد و
شیرگاه با اینکه تشکیلات شهری دارند ولی بعللی متعدد در محدوده خود باقی می‌مانند
و صورت شهری آنها تصنعی میگردد اما پیدایش روستاهای مازندران مانند همه روستاهای
عالم از دوام سکونت آدمی بر روی زمین حاصل می‌گردد .

هرچه افراد و خوش نشین و طوایف شبانان میل بیشتری به کار کشاورزی ابراز
میدارند و سکونت دوام بیشتری می‌یابد ده نشینی رواج کلی تری پیدا می‌کند و نوع
ساختمانها و جاده‌های ارتباطی دیرپا تر میگرددند . در بسیاری از روستاهای مازندران
عامل اصلی سکونت و زیست آدمیان را مقدار آب و زمین و نوع اقتصاد و نوع هوا
تعیین می‌کند. چنانکه فراوانی آب و زمین و درجه حرارت محیط با انسان کمک می‌کنند

فصل پنجم

«تعریف روستاهای مازندران»

برای ده می‌توان تعاریف زیادی کرد ، زیرا هیچ تعریف کلی وجود ندارد که
شامل کلیه روستاهای یک ناحیه و کشور گردد.

بطور کلی می‌توان گفت ده محل سکونت و زیست عده‌ای از آدمیان است که
بر روی زمین محدودی مستقر شده‌اند و زندگی و معیشت اکثریت آنها از راه اقتصاد
کشاورزی و روستائی تأمین میگردد .

البته در بعضی نقاط مازندان مردم روستا زندگی خود را از زراعت و کار کشاورزی
تأمین نمی‌نمایند .

مثلا زندگی اکثریت اهالی ده آبگرم لاریجان از راه حمام داری و فروش آبگرم
معدنی گوگرد دار لاریجان تأمین میگردد .

پذیرائی از مسافرین و خدمات مشابه آن برای دسته دیگری از همین مردم ممر
معاش می‌باشد زندگی افراد و خانواده‌هایی که در ده کار مزد زیر آب سکونت دارند
از کار در معادن ذغال سنگ تأمین میگردد و ساکنین ده اطراف امامزاده عبدالله آمل
یا خدمت به زائرین امامزاده عبدالله تأمین می‌نمایند .

بسیاری از ساکنین روستای گچسر واقع در جاده چالوس - تهران در آمد خود

تا بر طبیعت اطراف و محیط خود غلبه کند و به تأمین غذا بپردازد و افزایش مقدار مواد غذایی به تولید و افزایش نسل منجر میگردد و قانون مقدار غذا و تعداد جمعیت پیوسته بسوی تعادل مخفی خود میل می کنند و چون بحد تعادل رسید تولید مثل مضر تشخیص داده میشود آینده تمایل شدیدی بتعادل دارد. با استقرار آدمی بر روی زمین ابزار سازی و بکار بری ابزار را تکامل می پویید و این ابزارها آدمی ناتوان و زبون را قدرت و کمک میدهند تا بر آب و دانه دست یابند و زمین های نامرغوب و نواحی کم آب را هم آباد سازند .

این حالت برعکس حالت شبانی و بیابانگردی است که آدمی اندر طلب آب و دانه و گیاه پیوسته در حرکت است و اختلاف بین آدم گله دار و آدم روستا نشین در همین جاست که اولی تابع طبیعت و در جستجوی مکانی است که طبیعت مساعدت نموده است . و دومی با ابزار نیرومند بر طبیعت غلبه می کند و دانه و آب و گیاه را مهار می کند و بخوبی از آنها بهره برداری می نماید اگر چه این غلبه در نقاط مختلف جهان تفاوت کلی دارد بطور کلی هر جامعه ای که بتواند ابزار مدرن تر و موثر تر بسازد بهتر بر طبیعت غلبه می کند و هر جامعه ای که بهتر و بیشتر بر طبیعت غلبه نماید از رفاه و آسایش مادی بیشتری برخوردار میگردد .

حرارت محیط هم عامل دیگری است که تأثیر آن از زمین و آب کمتر نیست زیرا در هوای سرد و در نقاط کوهستانی ، یخبندان و زمین پوشیده از برف آدمی از هر گونه فعالیت کشاورزی باز میماند و در دشت های مناطق گرم و مرطوب دشت های کم آب تابستان زمین را بکوره و تنوری از گرما و حرارت تبدیل می نماید ، در آن صورت هر گونه فعالیت انسان غیر ممکن میگردد و اینگونه آب و هوا در مجاور یکدیگر قرار گیرند اقتصاد شبانی را بوجود می آورند یا تقویت می نمایند مثلاً اهالی کوهستانها قوچان و یا سنکسر و مرتفعات سمنان در بهار و تابستان از گرما و کم آبی دشت ها فرار

می کنند و بکوهستانهای مرتفع و مراتع سرسبز و پر آب کوهستانها هجوم میبرند و چون هوای سرد فرامیرسد بدامان دشتهای مجاور پناه میبرند و این داستان زندگی قوچانان سنکسری و کردهای قوچانی در ارتفاعات گلیداغ ، در دشت های گرمسار ، ورامین و کویر و دشت وسیع گرگان شمالی است .

اما این رفت و آمد و بیابلاق و قشلاق تنها بعلت کار شبانی نیست بلکه مهاجرت فصلی کمبود زمین هم موجب پر و خالی شدن روستاها میگردد .

مثلاً در نسل ویانمار واقع در ۶۲ کیلومتری جاده هراز در ارتفاعات متجاوز از دو هزار متری بعلت نبودن زمین های مزروعی اکثر مردان ده حتی زمستان را جهت یافتن کار بشهرهای مجاور میروند و در تابستان جمعیت زیادی بروستا های مزبور میروند تا هم اندک محصولات خود را جمع آوری نمایند و هم از هوا و آب تمیز کوهستانها استفاده نمایند در بعضی از روستاها مهاجرت فصلی و برعکس حالت بیابلاق و قشلاق است .

مثلاً بسیاری از مردم روستاهای بابل کنار واقع در ۲۵ کیلومتری جنوب بابل بعلت نداشتن زمین کافی ناچاراً از اواسط بهار به شهرهای آمل و بهشهر-گرگان و دشت مهاجرت می نمایند تا با حقوق روزانه ۲۰ تا ۳۰ ریال برای دختران و زنان و ۵۰ تا ۶۰ ریال برای جوانان و مردان کار کنند و با اندک غذا و توشه و سکونت در انبارها بهار و تابستان را بگذرانند و چون زمستان سرما فرا رسید بسوی ده خود باز میگردند و در کلبه های درهم فشرده خود زیست می نمایند و چون بهار فرا رسید اینکار را تکرار می کنند این تناوب در طی فصول و سالهای مختلف با اقتصاد جنگی گذشته دهقانان و اقتصاد شبانی گذشته ارتباط نزدیک داشته و حتی در اقتصاد و خدمات شهری هم اثرات آنرا می توان مشاهده نمود .

محصل شهری عادت تنها موقع امتحان درس بخواند و استاد دانشگاه قبل از اشغال کرسی استادی کوشش می نماید و سپس استراحت کامل فکری را شعار خود

قرار میدهد.

البته این بردن و خالی شدن روستاها بیک استان یا یک کشور تعلق ندارد با تفاوتی در کشورهای مختلف تکرار میگردد.

چنانکه روستائیان ایتالیا برای مهاجرت فصلی با آمریکا جنوبی مرسوم خاص را بوجود آورده اند و در بسیاری از مزارع آمریکائی هم که محصول بصورت دمپینگ **Demping** برداشت میگردد.

عدهای کارشناس به فصل معین بمزارع میروند و پس از برداشت محصول و چند ماهی فعالیت بشهرها باز میگردند و رویهم رفته ییلاق و قشلاق در بسیاری از شهرهای مازندران و روستائی اطراف رواج کلی دارد، در بعضی از شهرهای ساحلی و یا شهرهای اقتصاد مانند بابل کم کم مردم به سکونت دائمی خوی میگیرند و سکونت دائمی بعلت اقتصاد کشاورزی قوام و دوام می یابد.

«شکل روستاها»

همانطوریکه نمیتوان تعریف کلی برای روستاهای مازندران بیان نمود یافتن شکل هندسی خاص برای روستاهای مازندران مشکل است.

زیرا هنوز قوانین هندسی مورد استفاده روستاها قرار نگرفته است و نقشه های اندیشیده و علمی در روستاها پیاده نشده است. بنظر میرسد روستائیان در مورد شکل کلی ده و خانه های خود تقلید را بر هر گونه ابتکار و اندیشه مستقل ترجیح میدهند، اصولا روستائیان بعلل زیاد بیشتر مقلد هستند و کمتر در صدد دست یابی بر طرحهای دقیق هندسی هستند زیرا سکونت در محیط کوچک و بسته قدرت تخیل و تفکر ریاضی را در وجود انسان تضعیف می کند، بهمین جهت در اغلب روستاهای ایران استفاده از خطوط پیچیده و منحنی ها امکان نداشته است و بیشتر از هر خطی، خط شکسته مورد استفاده قرار گرفته است.

گوئی جامعه دهقانی عقب مانده اشکال هندسی مانند بیضی - دایره - سهی و غیره را نمی شناسد و یا کمتر مورد استفاده قرار میدهند در اغلب روستاهای مازندران آنچنان خطوط نامنظم و درهم تداخل نموده اند که تشخیص حالت هندسی بوجود آمده بدون تجربه مشکل است.

تنگ نظری و کوتاه بینی کوچه‌ها را چنان تنگ و باریک نموده است که در يك زلزله کم اهمیت در هر ده بسیاری از افراد ده در کوچه‌های تنگ و باریک جان سپردند و این موضوع متأسفانه در روستاهای اطراف کاخک و فردوسی بطور وحشتناکی تکرار گردید.

چنانکه گفته‌اند که زلزله درجه ۷/۸ جنوب خراسان (۱) در سال ۴۷ وجود همین کوچه‌ها و خانه‌های ابتدائی و بی حساب موجب مرگ ۱۵ هزار نفر آدم در این کوچه‌ها و خانه‌های گلین شد اما از نظر کلی می‌توان روستاهای مازندران را بدو صورت مجتمع و پراکنده مشاهده نمود. تمرکز خانه‌های روستائی یا پراکندگی آنها بعامل متعددی است. که چند مورد آنرا می‌توان ذکر کرد.

کوچه‌ها و معابر عمومی ده بعلت نبودن نقشه اولیه و حساب شده و تنگ نظری و یا مسائل دفاعی بقدری باریک و پر پیچ و خم ساخته شده است که جزء حیوان و آدم عبور وسایل مکانیکی از آنها غیر ممکن است. در کوچه‌های اوزکلا با عرض يك یا دو متر و شیب ۲۸ در صد تنها اهالی و کوهنوردان می‌توانند باسانی رفت و آمد نمایند.

در ده ناحیه از توابع بلده دسترسی به بعضی خانه‌ها با عملیات کوه نوردی توأم میگردد.

ولی در روستاهای ترکمن نشین گرچه هیچگونه طرح و نقشه‌ای در کار نیست ولی گاهی عرض خیابانها از ۲۰ متر هم تجاوز می‌کند.

بدین ترتیب مشخص میگردد وقتی محل رفت و آمد اهالی تا این حد بی حساب باشد مشکل محدوده ده تا چه حد بی‌قواره و بی حساب می‌باشد.

از نظر کلی می‌توان دو نوع ده در مازندران تشخیص داد اول روستاهای کوهستانی

۱- درجه مزبور در سیستم ریش می‌باشد

و یا بسیاری از روستاها دیگر که خانه‌ها فشرده و معمولاً بدور يك محور ساخته شده‌اند. دوم خانه‌های پراکنده یادهی که هر کس در ملك و زمین و یا باغ و مزرعه خود خانه‌ای هم ساخته و بدون اینکه بدیگران کاری داشته باشد بزندگی خود ادامه میدهد. فشرده بودن روستاها بعوامل متعددی بستگی دارد که عبارتند از محدودیت مکانی ده که بر حسب آنکه ده در سینه کوهها و یا روی تپه‌ها ساخته شده باشد و یا بعلت آنکه ساختمانهای ده باید از طبیعت متابعت نمایند.

مثلاً ده قره تپه بهشهر بعلت آنکه روی تپه‌ای ساخته شده است بصورت يك ده فشرده گسترش یافته است یا روستای نوایا کند ولو در بخش لاریجان آمل بشکل پله‌ای ساخته شده‌اند.

در کتی بابل و چند ده مشابه آنها مانند نودهک و زردیکلا زمین‌های اطراف ده را شالی زارها تشکیل میدهند که پیوسته پراز آب و لجن هستند و ده مانند جزیره‌ای است در میان این دریای شالی زارها و حتی محدوده ده به سادگی گسترش نمی‌یابد.

گاهی خوشاوندی و رابطه فامیلی سبب می‌شود که بوجود آوردگان ده در يك جا دور هم زیست نموده و ده مجتمع را بوجود آورده‌اند مانند ده اورکت حاجی (در بخش بندرشاه) گاهی نبودن امنیت در نقاط کوهستانی سبب میگردد که خانه‌ها به یکدیگر پیوند یابند و ده شکل قلعه‌ای بخود بگیرد مانند شکل و ساختمان ده پاسند (در نزدیکی بهشهر) گاهی چشمه ده هم بصورت دایره فشرده در می‌یابد و اتفاق می‌افتد که رودخانه و کوهستان هم گاهی موجب فشرده‌گی خانه‌های ده می‌شوند در بلده مرکز بخش نور رودخانه شاداب رود در جنوب و ارتفاعات کوهستانها دیگر در شمال سبب گردیده‌است که ده بلده بصورت نوار باریک و کشیده ولی فشرده در آید.

روستاها پراکنده مازندران بیشتر در دشت‌ها دیده می‌شوند و علت پراکنده‌گی عدم هماهنگی اجتماعی مردم اینگونه روستاهاست و دسترسی بآب آشامیدنی بدون

زحمت ، علت دیگری برای پراکندگی بشمار میرود در اینگونه روستاها باآسانی آب در چند متری در دسترس همگان قرار میگیرد امنیت کامل هم وجود دارد هرکس در مزرعه یا باغ و زمین خود سکونت دارد ساختمان روستاهای قلعه گردن و بسیاری از روستاهای اطراف شهبور - بابل وحتى بعضی از روستاهای کوگلان در شرق مازندران مانند ده غرب لاله گون و قرناوه علیا پراکنده و خاندها بدون دیوار ساخته شده است .

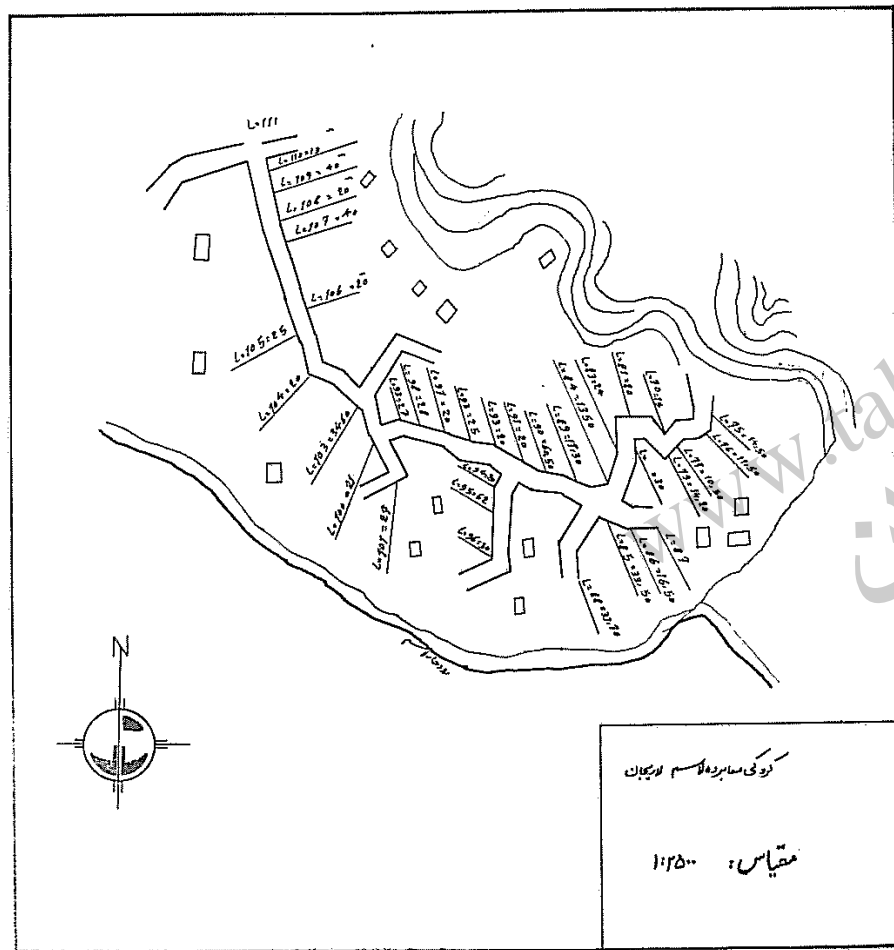
بطور کلی می توان گفت اکثریت روستاهای مازندران دارای شکل و قواره منظم هندسی نبوده و محدوده آنها و محتوی آنها از تعداد خطوط شکسته و درهم و بدون نظم و ترتیب تشکیل گردیده است .

برای اینکه دید واقعی تری از شکل و محتوی روستاهای مازندران داشته باشیم دیداری که ازدو نوعه متفاوت در کوهستان - جلگه - دشت گرگان داشته ایم بنظر خوانندگان گرامی می رسانیم وبا ترسیم پلان یکی از روستاهای کوهستانی دقیقاً شکل دهات مشابه را بشناسیم .

«بازدید از لاسم»

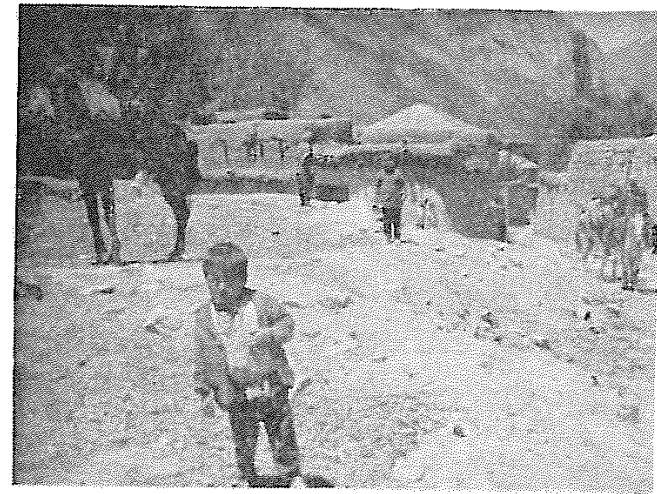
ساعت ۵ صبح روز ۱۷/۳/۴۸ جهت تهیه طرح لوله کشی ده لاسم از شهر آمل به ده اسك عزیمت نمودیم از قهوه خانه اسك با چند رأس قاطر بسوی جنوب غربی حرکت کردیم . جاده مال رو و کوهستانی و خطرناک بود با اینکه آفتاب بشدت می تابد ولی کوهستانهای مقابل و پشت سر بخصوص دماوند پر از برف بودند و آفتاب خرد دامه نتوانسته بود برفها را کاملاً آب نماید . راه سنگلاخی و پر پیچ خم بود شیب زیاد سرعت صعود را کم میکرد پس از مدتی بده ایرا رسیدیم این ده در شیب تند و شرقی کوهستان بزرگی قرار گرفته است خانهها همه کلین کوچهها تنگ و پر پیچ و خم و انباشته از لاس دامها چند شیر آب برگذراگاه آب خود را بسطح کوچه میریزند از ده ایرازود گذر کردیم و جاده بعرض يك متر درکناره پرتگاه خطرناک ده ایرا را بگردنه های مقابل میرساند پس از صعود از ۷ پیچ و گردنه پس از سه ساعت راه پیمائی به میان صخره هایی از سنگ خارا رسیدیم که آب بسیار گوارائی در کنار اطاقکی سنگی از دل کوه میجوشید مناظر دلپذیر کوهستانها البرز و آب سرد و زلال چشمه سار تمام خستگی راه را از تن آدمی دور میکردند .

باز هم صعود در ارتفاعات ۳ هزار متری شروع شد و بالاخره به گردنه لاسم رسیدیم



پلان ده لاسم لاریجان آمل

و از این جا به بعد ۲ کیلومتر در کنار دره ها راه پیمائی کردیم .
 از دور درای بعرض تقریبی ۳۰۰ متر و بطول چندین کیلومتر از شرق به غرب کشیده شده بود در مقابل کوهستانهای سربفلك کشیده و دریاچه زیران قرار گرفته بود .
 در کف دره رودخانه کوچکی جریان داشت در جناح شمالی این رودخانه تعدادی خانه های گلین و متمرکز در کنار تپه های دیده میشد بزودی بده مزبور رسیدیم .
 این ده لاسم بود بزرگترین ده بیلاقی لاریجان که در تابستان جمعیت آن از سه هزار تن تجاوز می کند مردمان فقیر و بیکاره این ده با ۱۱۰ هکتار زمین کوهستانی زندگی خود را روز شماری میکردند کوجهها تنگ و باریک گاهی بعرض ۱/۵ متر، کف آنها از خاکستر و لاس گاو پوشیده شده بود دیوارها و خانه ها گلین و کوتاه و محدود بر روی دیوارها خارهای خشک بیابانی بچشم میخورد چنان فقر و کسافت بهم پیوند یافته بود که همه مناظر اطراف را از نظر آدمی محو می نمود .



منظره يك ده کوهستانی در لاریجان آمل